

سرزمینهای قفقازی ایران و هجوم روس و عثمانی

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران
 اکنون 180 سال از تحمیل عهد نامه شوم و ننگین ترکمن چای توسط روسیه بر دولت ایران می گذرد... دهها سال قبل از انعقاد عهدنامه های فاجعه باری مانند گلستان (1192 شمسی / 1813 میلادی) و ترکمنچای توسط دولت توسعه طلب روسیه برای اشغال سرزمینهای ایران تلاش می کرد. وصیت نامه پترکبیر، امپراتور روسیه، جهت مرکزگشایی و رسیدن این کشور به آبهای گرم خلیج فارس، وصیت نامه ای معروف است. امپراتوری عثمانی نیز از سویی دیگر چشم طمع به سرزمین های ایران دوخته بود. هر بار که اقتدار دولت مرکزی در ایران تضعیف می شد، تحرکات دولت توسعه طلب روسیه و ترکهای عثمانی برای اشغال سرزمین های قفقازی ایران بیشتر می شد. چنانکه روسها و ترکها بارها با سوء استفاده از آشفتگی های درونی و ضعف دولت مرکزی در ایران به قفقاز یورش بردند و جمهوری آذربایجان را اشغال کردند. اما پادشاهان مقتدری همچون شاه عباس کبیر، نادرشاه افشار و آقامحمدخان قاجار شخصا فرماندهی سپاه ایران را بر عهده گرفته و قفقاز را از وجود روسها و ترکهای اشغالگر پاک ساخته و شکست های سنگینی بر آنها وارد کردند. آقا محمد خان برخلاف دیگر شاهان قاجار، اهل جنگ و ستیز بود و مانند یک سرباز ساده زندگی می کرد. وی در راس سپاه ایران برای پاک سازی قفقاز و جمهوری آذربایجان از ارتش متجاوز روسیه و سرکوب وابستگان روسیه به آن مناطق رفت و به طرزی مشکوک ترور شد. پس از ترور وی بود که بار دیگر تحرکات روسیه برای تحقق اهداف توسعه طلبانه و اشغال خاک ایران آغاز شد. بعد از دو دوره جنگ روسیه با ایران که 25 سال طول کشید، روسیه توانست با همدستی با انگلستان و فرانسه و کمکهای مقامات وابسته در دربار ایران و در سایه ضعف دولت فتحعلی شاه، دو عهد نامه ننگین گلستان و ترکمنچای را بر ایران تحمیل کرده و 17 ولایت قفقازی ایران را تحت اشغال و اسارت خود گیرد. با انعقاد عهد نامه های گلستان و ترکمنچای فاجعه ملی در تاریخ ایران رقم خورد، فاجعه ای که طی دو قرن گذشته، پیامدهای خسارت باری برای ملت ایران و ساکنان ولایت قفقازی اشغال شده داشته است. ابعاد پیامدهای عهد نامه های یاد شده، سرنوشت مردم قفقاز جنوبی را تغییر داد و موقعیت استراتژیک ایران را تضعیف کرد. برخی نتایج عهدنامه های گلستان و ترکمنچای:

- 1- مرزهای شمالی ایران از دریای سیاه تا گرجستان به رودخانه ارس تغییر یافت.
 - 2- اشغال 17 ولایت قفقازی ایران توسط روسیه، در کاهش اقتدار جهان اسلام موثر افتاد و میلیونها مسلمان ساکن در آن مناطق، تحت حاکمیت روسیه مسیحی قرار گرفتند.
 - 3- فرهنگ اسلامی و ایرانی در قفقاز دچار ضایعات و خسارتهای تاریخی شد، الفبای اسلامی ممنوع، حوزه ها و مدارس علمی و دینی تعطیل شد و هزاران روشنفکر دینی، شاعر، نویسنده و بخصوص علمای قفقاز در معرض قتل و تبعید و زندان قرار گرفتند و مساجد تخریب و تعطیل گردید.
 - 4- میلیونها قفقازی و بخصوص مسلمانان در دوره حاکمیت کمونیستی به مدت هفتاد سال پشت پرده آهنین قرار گرفتند و روابط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آنها با ایران (وطن اصلی شان) و جهان اسلام قطع شد.
 - 5- قفقاز جنوبی که قبل از اشغال آن توسط روسیه در دوره حاکمیت ایران بر آن منطقه ای یکپارچه با اقوام و ادیان و مذاهب مختلف بود، و شهرهایی مانند گنجه، تفلیس، ایروان، نخجوان از مراکز مهم مدنیت اسلامی و ایرانی و پایگاه معارف شیعی و شعر و ادب فارسی بودند. بعد از تحمیل عهدنامه های گلستان و ترکمن چای، یکپارچگی قفقاز جنوبی از بین رفت، جابجایی جمعیتی در آن صورت گرفت و علاوه بر پیدایش سه کشور کوچک و وابسته در آن، مناطقی مانند، قره باغ، آبخازیا، آجاریا، اوستیا، تالش مغان و لزگستان نیز ادعای استقلال کردند. از بین رفتن یکپارچگی قفقاز به بهای جان و آوارگی میلیونها تن از اهالی تمام شد.
 - 6- اشغال 17 ولایت قفقازی ایران توسط روسیه، پدید آمدن دولتهای کوچک و نوپا در منطقه بعد از فروپاشی شوروی نیز به ضرر جهان اسلام و به سود قدرتهای استعماری و صهیونیسم جهانی است.
- با فروپاشی شوروی و پیدا شدن دولت باکو که حدود 17 سال از شناخته شدن آن در جهان و سازمان ملل می گذرد، این دولت در ردیف دولتهای متحد امریک و اسرائیل قرار گرفت و مبارزه با اسلام و فرهنگ اسلامی و ایرانی، گسترده تر از دوره شوروی در ایران شمالی تداوم یافت. به بیان روشن همچنانکه باکو در دوره شوروی به عنوان یک پایگاه ضد ایرانی مورد استفاده حاکمان مسکو بود، بعد از فروپاشی شوروی، این پایگاه به تصرف حاکمان واشنگتن و صهیونیسم جهانی درآمد و اقدامات دولتهای اشغالگر مانند امریکا و رژیم صهیونیستی از این پایگاه برای اجرای طرحهای ضد تمامیت ارضی ایران ادامه یافت. امروز در کتابهای درسی دولت باکو تحریفات و جعلیات و تخیلات مکتوب سیاسی بازمانده از دوره شوروی، با جهت گیری ضد اسلامی و ضد ایرانی به نام «تاریخ آذربایجان!» به دانش آموزان و دانشجویان آموخته می شود. دامنه این تحریفات به حدی گسترده است که بسیاری از دانشجویان و دانش آموزان نمی دانند نظامی گنجوی و خاقانی شروانی اشعار خود را به زبان فارسی سروده اند. زیرا ترجمه هایی خام از اشعار این بزرگان به زبان آذری، به عنوان شعر های نظامی و خاقانی وارد کتابهای درسی شده است! حتی بسیاری نمی دانند که تا قبل از انعقاد عهد نامه های گلستان و ترکمنچای، ایالت های گنجه و باکو و نخجوان و... بخشی از خاک ایران بوده است، زیرا تحریفات و جعلیات تاریخی مندرج در کتابهای رسمی و درسی حاکمان ایران شمالی می گوید که دولت باکو ویا «دولت آذربایجان!» چند هزار سال سابقه دارد! در این تحریفات و جعلیات شگفت انگیز، دولت صفوی و پادشاهانی چون شاه اسماعیل صفوی

و شاه عباس کبیر هم «دولت آذربایجان و پادشاهان آذربایجان!» داشته می شوند و حتی اخیراً انستیتوی تاریخ آکادمی علوم باکو نقشهٔ جغرافیایی منتشر کرده و سرزمین ایران در عهد صفوی و شهرهایی چون اصفهان و شیراز و... را هم بخشی از «آذربایجان تاریخی!» معرفی کرده است؟!... اینها همه حاکی از آن است که نه تنها دولت 17 سالهٔ باکو، بلکه برخی دولت‌های دیگر از جمله آمریکا و اسرائیل نیز مانند دولت شوروی به شدت از «آگاهی مردم ایران شمالی از گذشته تاریخی شان» نگران هستند و با پنهان کردن واقعیت‌های صد سالهٔ تاریخی در زیر انبوهی از دروغ‌های تبلیغاتی و نظریه پردازی‌های شیطانی، می‌کوشند «هویتی جعلی، غیر ایرانی و حتی غیر اسلامی» برای مسلمانان قفقاز جنوبی بخصوص مردم ایران شمالی تعریف کنند... از جمله جنایت‌های فرهنگی دولت شوروی برای قطع ارتباط مردم ایران شمالی با گذشته و میراث مکتوب تاریخی شان، تغییر الفبا بود. در دورهٔ حاکمیت دولت کمونیستی شوروی بر سرزمین‌های قفقازی ایران، الفبای عربی و فارسی-الفبای جهان اسلام است – به الفبای روسی تغییر داده شد. بعد از فروپاشی شوروی و پیوستن دولت نوپای باکو به زنجیره کشورهای تحت سلطه غرب، باز هم الفبا به لاتین تغییر یافت تا نسل‌های جدید در ایران شمالی همچنان نتوانند با گذشته تاریخی شان ارتباط برقرار کنند و هویت اصیل اسلامی – ایرانی خود را باز یابند. در وضعیتی که فعالیت‌های دستگاه‌های دولتی و رسانه‌ها و مطبوعات وابسته به بیگانگان در باکو برای جعل و تحریف تاریخ ایران شمالی نفی گذشته ایرانی این سرزمین شیعه ادامه دارد، دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ای ایران، بخصوص رسانه‌های دولتی سکوت کرده‌اند، در سالگرد انعقاد عهدنامهٔ شوم ترکمانچای که جدایی بخش‌های مهمی از کشورمان با آن رقم خورد، در حالی که دستگاه‌های دولتی باکو فعالیت خود را در تکرار تحریفات تاریخی و تبلیغات علیه تمامیت ارضی ایران افزون‌تر کرده‌اند، دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ای ما و بخصوص رسانهٔ تأثیرگذاری مانند صدا و سیما، حتی در استان‌هایی مانند اردبیل و آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی از کنار این فاجعهٔ تاریخی (عهدنامهٔ ترکمانچای) با سکوت و بی‌تفاوتی می‌گذرند... در کنار سکوت و بی‌تفاوتی دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌های دولتی، بیان این واقعیت ضروری است که ملت ایران و بخصوص آذربایجانی‌ها هرگز این فاجعهٔ تاریخی را فراموش نکرده‌اند و نویسندگان و تاریخ‌پژوهان، روزنامه‌نگاران و شاعران مستقل همواره به یاد سرزمین قفقازی ایران بوده و در این راستا کتابها و مقالات و شعرهای فراوانی منتشر کرده‌اند. نگاهی به صد‌ها کتاب و هزاران مقاله تاریخی که طی دهه‌ها سال گذشته دربارهٔ تاریخ ایران، یا سرزمین‌های اشغال‌شدهٔ ایران در قفقاز توسط نویسندگان و پژوهشگران کشورمان منتشر شده و در همهٔ اینها به تناسب صفحات زیادی به عهدنامه‌های ننگین گلستان و ترکمانچای اختصاص یافته و از این عهدنامه‌ها با عنوان عهدنامه‌هایی سیاه، ننگین، فاجعه بار و... یاد شده، و نیز شعارهای زیادی دربارهٔ جدایی قفقاز از ایران سروده شده است، همه و همه حاکی از آن است که ملت ایران بخصوص روشنفکران و علمای آذربایجان، همواره در هوای زدودن و ستردن دو عهدنامهٔ سیاه از صفحات تاریخ بوده‌اند و آرزوی روزگاری را دارند که در آن «رودارس» به عنوان مرز جدایی نباشد. آری این یک اشتیاق ملی است که ملت ایران در هوای اتحاد ولایت‌های اشغال‌شدهٔ قفقاز با وطن اصلی هستند... گویی «حرکت آزادی بخش ایران شمالی» که ریشه در مقاومتها و جنگ‌های اهالی قفقاز در مقابل حاکمیت روسیه بعد از انعقاد عهدنامه‌های سیاه گلستان و ترکمانچای دارد، بار دیگر از درون همین فعالیت‌های مردمی و فرهنگی را بر عهده دارند... شاید تا مدتی قبل از فروپاشی شوروی، کمتر کسی تصور میکرد که روزی این دولت قدرتمند و اشغالگر فرو خواهد ریخت و سرزمین‌های قفقازی ایران از حاکمیت آن رها خواهد شد. اما این اتفاق مبارک رخ داد. روزی نیز خواهد رسید که آمریکا و اسرائیل نیز مانند شوروی از هم خواهد پاشید و آن روز، فصل تازه‌ای در حیات قفقاز و ایران آغاز خواهد شد و سرزمین‌های اشغالی ایران در قفقاز، آزادی و پیوند ابدی خود با ایران را باز خواهد یافت...